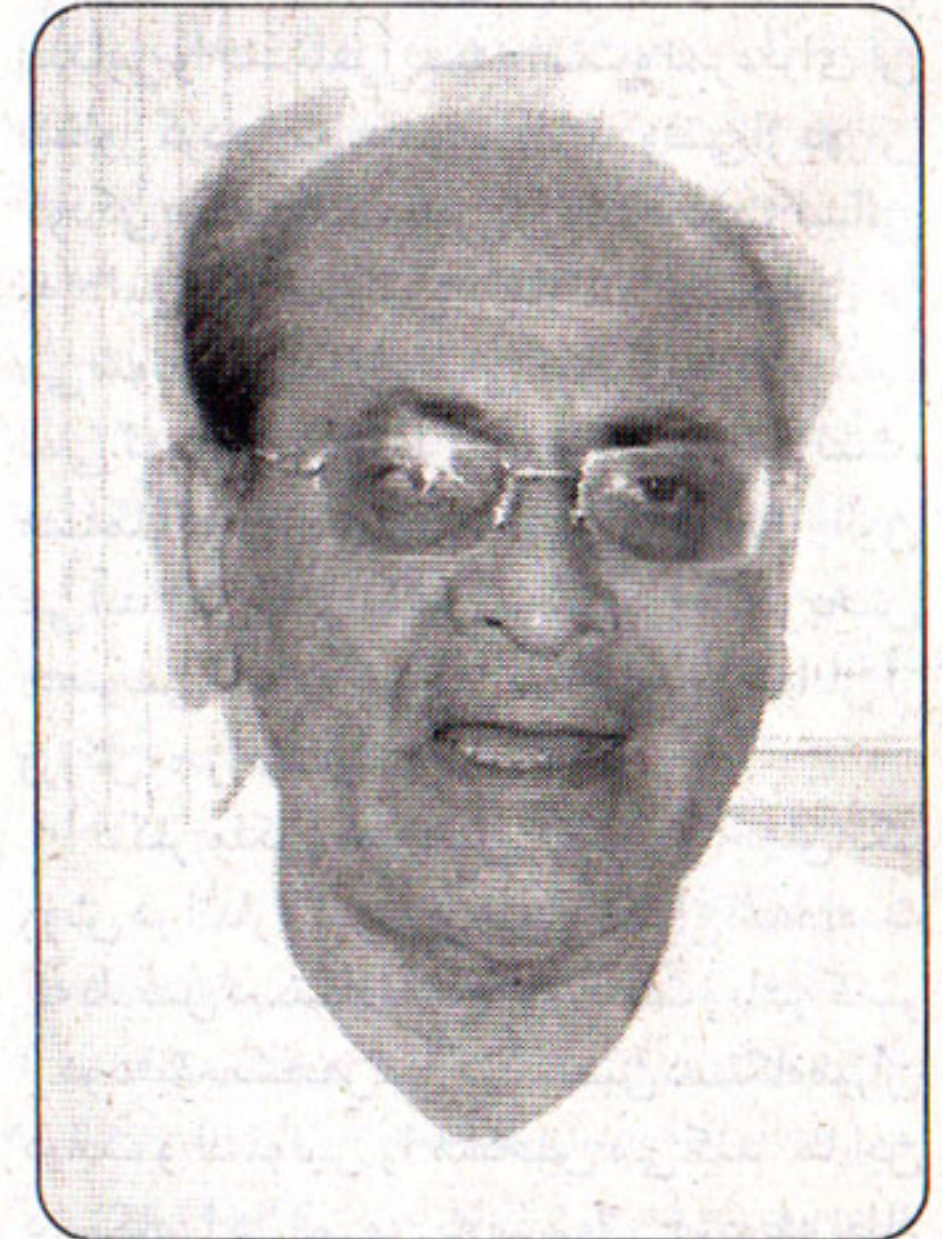


نجات صدها بیمار منتظر جراحی قلب، با ورزش - درمانی!

قسمت آخر



ادامه صحبت‌های دکتر ملکی در حسینیه ارشاد:

دکتر ملکی با صدای بلند گفت: دوستان عزیز! درمان گرفتگی رگ‌های قلب «کرونی» واقعاً جراحی نیست، آنژیوگرافی نیست، داخل رگ بیمار کرونی پر از لخته رسوبات است. لخته‌های متعدد فقط در قلب بلکه همه جای بدن اثر گذاشته است، این وضعیت ۳۰ دقیقه در کلینیک قابل اندازه‌گیری است، آنژیوگرافی هم نمی‌خواهد، یکی از آقایان پزشک به یک بیمار قلبی گفته بود «آندراتر» رگ شما خراب است. من قبول دارم آنژیوگرافی میزان گرفتگی شریان‌ها را مشخص می‌کند، اکو، سیستم را مشخص می‌کند که عضله چقدر لاغر شده است چون خون و اکسیژن به عضله نمی‌رسد، اما عیب اصلی داخل رگ است که ما نمی‌توانیم آن را ببینیم، داخل رگ را علم می‌تواند ببیند و ما با سه

هفته گذشته نیمی از صحبت‌های دکتر جواد ملکی جراح فوق تخصص قلب و عروق و والیبالیست سابق باشگاه‌های ایران در دهه‌چهل که از ده سال قبل جراحی را با همه درآمدهای کلانش رها کرد و با ورزش - درمانی نگذاشت قلب و عروق صدها بیمار کرونری و پیوندی زیر تیغ همکاران جراحی برود، چاپ شد. این هفته قبل از انعکاس ادامه صحبت‌های جامع سال گذشته ایشان در حسینیه ارشاد در جمع تعدادی از پیشکسوتان عرصه ورزش و دهها بیمار بهبود یافته‌اش به این نکته اشاره می‌کنیم که طبق آمار موجود ۶ میلیون بیمار دیابتی، ۳ میلیون بیمار کرونری (در انتظار جراحی قلب) و ۲۵۰ هزار نفر در لیست پیوند قلب وجود دارند که به قول دکتر ملکی میلیون‌ها نفر از آنها نیاز به عمل جراحی ندارند. ایشان ثابت کرده است که معالجه آنها با ورزش درمانی به راحتی مقدور است که این که طی ده سال گذشته نزدیک به ۱۰۰۰ بیمار در انتظار جراحی عمل باز قلب و ۱۸ مورد کاندیدای پیوند قلب را با «ورزش - درمانی» معالجه کرد تا ثابت کند می‌تواند در صورت توسعه و گسترش این پدیده خدایسندانه، هم‌کار آفرینی کند و هم جلوی خروج دهها میلیارد دلار ارز مملکت را بگیرد، اما تاکنون مسئولان ذی‌ربط خیلی به آن روی خوش نشان ندادند، فقط به ارسال تعدادی تقدیرنامه‌های «دلخوش‌کنک» بسنده کردند! اقدر مسلم اگر این پدیده نوین توسعه و گسترش یابد، در درجه اول منافع جراحانی به خطر می‌افتد که خیلی از آنها با جراحی‌های غیر ضروری پول پارو می‌کنند! دکتر ملکی می‌گفت: به یک پیرزن ۸۰ ساله گفته بودند باید عمل جراحی قلب بشوی. آیا ظلم به بیمار ان نیست؟! انتظار می‌رود مسئولان سازمان نظام پزشکی بویژه دکتر شهاب‌الدین صدر نایب رئیس

مجلس و رئیس کل محترم سازمان مذکور و همچنین دکتر علی سعیدلو، معاون محترم رئیس‌جمهوری و رئیس سازمان تربیت بدنی و نیز خانم وحید دستجردی وزیر محترم بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، همین‌طور مدیریت محترم مرکز ژنتیک ایران، جامعه جراحان و... که به خدمات وی یقین پیدا کردند، کمک‌کنند تا بیمارانی قلبی و عروقی را که نیاز به عمل جراحی ندارند به کلینیک دکتر ملکی معرفی کنند.

■ جعفر محتشمی - عکاس: حاج اسماعیل زرافشان

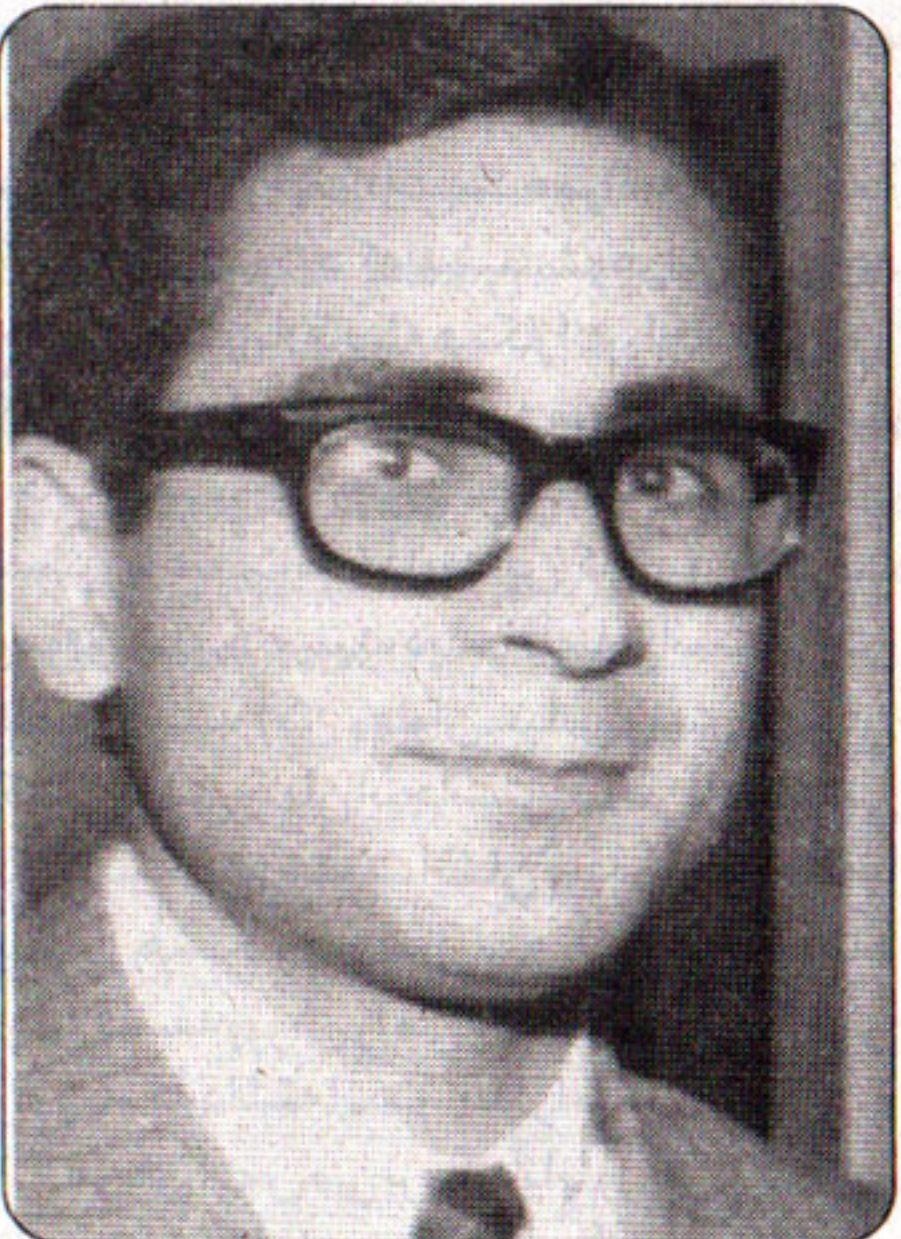
آزمایش که خانم جواهری آن را گفت در بدو ورود افراد بیمار و افراد عادی به راحتی انجام می‌دهیم، باور کنید ورزش بالاترین و سخت‌ترین علم دنیاست، مریض‌هایی که عمل پیوند قلب کنند، در کوتاه مدت می‌میرند. دو خانم جوان (پروانه مهربان اهل آغاچاری و شیرین افشار اهل تهران) در این محفل نشسته‌اند، در آستانه پیوند قلب بودند، این کار را نکردند و به ما مراجعه کردند و

تیم منتخب دانشگاه تبریز

از چپ: آقایان طباطبائی، جواد ملکی، فدوی، علی عطائی (سر مربی)، حریری، ثابتیان، عبری‌نشسته: احمدزاده



بدون عمل جراحی درمان شدند. من واقعات و مبهوت شدم برای همین بود که نیمه‌های شب وقتی پرونده‌های آنها را مطالعه می‌کردم با صدای بلند گریه‌ام گرفت. عرض کردم این دو خانم بعد از بهبودی روی تردمیل با هم مسابقه هم دادند! آخرین رگ کور دی که از خانم پروانه مهربان داریم در ۱۲ دقیقه ۱۷۰۰ متر راه رفتن روی تردمیل است. این خانم از دو تا پله نمی‌توانست بالا برود، همین‌طور خانم افشار بعد از زایمان با دو فرزند دست‌ها گل دو قلو دچار ناراحتی قلبی و تنگی نفس شد. این دکتر و اون دکتر؛ از ایشان نزدیک به چهل بار اکو گرفتند! شکر خدا بعد از درمان در کلینیک ما، به مراتب بالاتر از یک فرد بالای ۳۵ سال تحرک دارد! قرار بود ایشان برای معالجه و پیوند قلب آن هم با پرداخت یک میلیون دلار عازم فرانسه شود! این عنایت خداوند است که ورزش درمانی را به ذهن من انداخته است. من مات هستم که چگونه این اتفاق افتاد! این موفقیت را به محافل ذی‌ربط جهان گزارش خواهیم کرد، من با تیمی کار می‌کنم که مزد کم می‌گیرند، عاشق کارشان هستند، امروز عشق، برنده است نه پول، پول بازنده است، ثروتمندان مایبایند در راه تحقق این اندیشه سرمایه‌گذاری کنند، اولین چیزی که در کارت‌های دعوت به این همایش نوشتیم، این جمله بود: به اولین همایش «طب ورزشی» خوش آمدید و در متن دعوتنامه نوشتیم: بالاترین افتخار هر ملتی تحقیقات آن مملکت است، در مملکت ما تحقیق کجاست؟ مسئولان! بهابدهید به محقق، این دستاورد ما از المپیک گذشته (۲۰۰۸ پکن) است، و در حالی که اشک در چشمانش حلقه زده بود، با بغض گفت:



این نتایج تأسف‌بار نبود، چه اتفاقی افتاد، چرا اینجوری شد، باید تحقیق و بررسی شود، استعداد مردم ما بویژه جوان‌ها از کدام مملکت کمتر است؟ امکانات به ما بدهید، جهان را تسخیر خواهیم کرد، باید تحقیق و پژوهش در اولویت باشد. کلینیک ما به ظاهر فقیر است اما از لحاظ معنوی پر است. من هر چه در می‌آورم، خرج کلینیک می‌کنم. یک وسیله جدید می‌خرم، باور کنید اگر زن من پولدار نبود، من نمی‌توانستم این کار را انجام دهم، همیشه حمایت کرده است، ۳۶ سال است که ما با هم از دواج کردیم. همیشه ایشان و پدر مرحومش دکتر علی میرزائی پیشکسوت عرصه داروسازی از من حمایت کردند. خدا به امثال چنین بانوانی طول عمر و سلامتی بدهد، این زن هیچ چیز از من نخواسته است، من شرمنده ایشان هستم، الان با مادر زن من زندگی می‌کنیم و یک اتاق به من داده‌اند. من تا صبح درس می‌خوانم! همین کلینیک متعلق به همسر من است. خدا مرحوم پدرش را بیامرزد، مرد خیر و نیکو کاری بود. یکی از خدماتش ساخت دانشگاه امیر کبیر و هنرستان حرفه‌ای به اسم مرحوم برادرش در تفرش بود. بعد از ظهرها کار نمی‌کنم، می‌نشینم و می‌خوانم. اگر نخوانده بودم، خیلی از این بیمارانی که به من مراجعه کردند، مرده بودند. الان بیمارانی در اینجا هستند که اغلب بیمار کرونری و در انتظار عمل باز قلب بودند که با «ورزش - درمانی» خوب شدند، الان درمان بیمارانی کرونری بدون عمل جراحی برای ما شده مثل «آب خوردن»! تحقیقات اول ما را گذاشتیم روی بیمارانی که کاندیدای پیوند قلب هستند! وقتی قلبی که ماهیچه‌اش از بین رفته است، اصطلاحاً می‌گویند کار دیومیوپاتی کرده است، ما توانستیم معیارهای افسانه‌ای در بیمارانی منتظر پیوند قلبی را اندازه بگیریم. البته با کمک مسئولان مملکت که در این زمینه به ما کمک کردند. روی معیارهای خونی تحقیق کردیم، آنژیوگرافی نکردیم، آنژیو مقوله‌ای هجومی است، من هم هشت سال پیش این نظر را داشتم، ما چه خدمتی به مریض می‌کنیم؟ چه چیز به

دکتر ملکی:

علوم جدید بیولوژی مولوکولی (تلومرها) همان سلولهای بنیادی است که فقط در اثر ورزش علمی خرد دهنده فشار خون، مرض قند و استرسها به داخل کروموزوم است.

بیماری دیابت یک بیماری عروقی است که به تدریج چشمها، کلیهها، قلب و تمام عروق بدن را گرفتار می نماید دیابت هیچ درمانی به جز مصرف قند با ورزش ندارد که فقط با ورزش علمی قابل پیشگیری و درمان است.

تا مدرسه بغل مطب ماست، با آقای تنها رفتیم. کتاب و سی دی به آنجا بردیم و اهمیت توسعه ورزش را برای آنها تشریح کردیم، گفتند: اصلا ما معلم ورزش نداریم! الان هم مثل زمان قدیم معلمین دیگر دروس، معلم ورزش هم هستند! ان شاء الله این آقای کیومرث هاشمی، معاون وزیر در امور تربیت بدنی آموزش و پرورش که ورزش را اجباری کرده و فراگیری چهار شنا را در مقطع ابتدایی واجب تلقی نموده است و نمره برای آن منظور کرده، بتواند موفق باشد. وقتی از دوران کودکی بچه ها عادت به ورزش نکنند، در بزرگسالی به دلیل فقر حرکتی دچار انواع بیماریها می شوند. من آمار بیماران کرونری را که مردند، نمی گویم، ولی فقط بدانید که آمار بالاست. مسلما اگر ورزش توسعه پیدا کند، آمار پائین می آید. الان اکثر اماکن ورزشی در اختیار بخش خصوصی است و کودکان، نوجوانان و جوانان از ورزش محروم هستند.

دکتر ملکی همچنین گفت: در جهان یک روش در اندازه گیری پروتئین اختراع شده است که با وصل دستگاه به مچ های دست و پا در کمتر از دو دقیقه مشخص می کند. همین دستگاه میزان دیابت و انسولین را مشخص می کند. ما این دستگاه را داریم. من به مسئولان مربوطه نظام پزشکی گزارش کردم، باور نکردند. سونوگرافی شکم را فرستادم که اهمیتی ندادند؟

ما هیچوقت اول از مردم ویزیت نمی گیریم، سی شاهی ویزیت مان را آخر سر می گیریم! داشت، داشت، نداشت، نمی گیریم.

من حدود یک سال در جبهه های جنگ بودم، اون ایام هنوز جراحی می کردم. بعد از آن که جراحی را کنار گذاشتم، رفتم سراغ طب «ورزش-درمانی» و چگونگی تمام جراحی هایم را گزارش کردم. بعد از بازگشت از جبهه ها کتاب تغذیه نوین برای ورزشکاران را نوشتم.

دکتر ملکی یک بار دیگر از شوهر خانم مهربانی پرسید: بگو آن شبی که به کلینیک مراجعه کردی، چه حالی داشتی و او گفت: حضرت علی(ع) به فرزندش امام حسن(ع) می فرماید: فرزندم، دنیا ماندگار است ولی تو برای دنیا ماندگار نیستی و افزود: روحیه من خیلی پائین بود و افزود: قدر این آقای دکتر ملکی را بدانید. دکتر ملکی مجدداً از خانم مهربانی پرسید: وقتی به شما گفتند باید پیوند قلب بشوی چه روحیه ای داشتی؟ ایشان گفت: من اصلا روحیه نداشتم، چون به من گفته بودند باید پیوند قلب بشوی! الان بهترین لحظات زندگی ام را احساس می کنم. از دو ماه قبل تاکنون زندگی ما عوض شده است. دکتر ملکی گفت: من خیلی روی مقوله پیوند قلب (کار دیومدوپاتی) مطالعه کردم. البته چندی قبل در کنفرانسی در دانشگاه تهران سخنرانی کردم؛ خیلی مسائل را گفتم ولی خیلی گوش شنوائی نبود! حتی یک نفر هم از من سؤال نکرد! این را بگویم موقعی که در تگزاس جراحی می کردم، شاهد بودم که هر کس مراجعه می کرد، متأسفانه عملش می کردند، ما هم از آنها یاد گرفتیم، از وقتی تکنولوژی را به ایران وارد کردند ما را بیچاره کردند. تکنولوژی باید کنترل شود، نباید هر کس یک در دسینه پیدا کرد او را روی تخت انداخت، اول آنژیو و بعد نزدیک به نیم متر قفسه سینه اش را بشکافتند و بعد بگویند راه نروی اگر راه بروی، می میری!

دکتر ملکی از خانم افشار که بعد از زایمان با دو فرزند دوقلو دچار ناراحتی قلبی شده بود،

پیشرفت در درمان وی سریع بود که آمد مسابقه هم داد!

دکتر ملکی در ادامه صحبت هایش گفت: آقای جون، خانم جان! چاق که هستی، فشار خون هم که داری، مرض قند هم که به آن اضافه شده است، توقع داری رگ قلبت نگیرد! بابا ایوالله، در این شرایط می خواهی با دارو درمان بشوی؟ یکی از معضلات ما داروهاست، الان ایرانی ها رتبه اول را در جهان در مصرف دارو دارند! خیلی از مریض هایی که به من مراجعه کردند، در روز حدود ۲۰ نوع دارو مصرف می کردند! شما نمی دانید دولت برای تهیه دارو زیر چه فشاری است، برای این که هنوز اهمیت ورزش را درک نکرده ایم، متأسفانه مسئولان در اندیشه این نیستند که امکان ورزش برای همه را با امکانات راحت فراهم کنند، می گویند: «علم، علم»، اول باید ورزش همگانی شود. من خیلی از اساتید از جمله آقایان مهندس هاشمی طباطبائی و افشارزاده را دعوت به حمایت کردم ولی هنوز کاری صورت نگرفته است.

قبل از محمود چایچی، یکی از بازیکنان صاحب نام اسبق تیم ملی، دکتر جواد ملکی (با عینک) برای فریب مدافعان به پرواز درآمده است. عکس، پیکار دو تیم منتخب آذربایجان شرقی و دانشگاه ملی را در سال ۱۳۴۴ نشان می دهد.



مریض می دهیم؟ چه چیز می خواهیم، پدرمان در آمده است. من سه چهار دوره طب را خواندم، چند سال اون ور آب (کانادا، آمریکا) همیشه مطالعه و تحقیق و کار کردم، باید این علم به دیگران منتقل شود. من هم سنی از م گذشته است؛ حالا دارم یک ذره «گمگشته ام» را پیدا می کنم. گمشده مادر طب، «پول» نیست، گمگشته ما علم و فلسفه است، شناخت روح بیماران است، به این خانم جوان در انتظار پیوند قلب اهل آغا جاری دارای سه فرزند دانشجو گفته بودند شش ماه دیگر می میری، این خانم بایست همراه به من مراجعه کردند. شما نبودید که ببینید. شوهر این خانم چه حالی داشت، بلافاصله همکارانم را جمع کردم و گفتم: بچه ها بیدار شوید، این مریض را می توانیم نجات بدهیم. چون جوان است، عضلاتش سر حال است و با عنایت به خداوند این کار صورت گرفت و موفق شدیم. ببینید، دید ما فلسفی است، ورزش فلسفه است، الان پهلوان عباس زندی قهرمان کشتی اسبق جهان اینجاست، افتخار دادند مدتی در کلینیک در خدمت ایشان بودیم. ان شاء الله با بیش از هشتاد و پنج سال سن هنوز سر پا هستند چون فلسفه ورزش را می دانند، با ورزش خودش را رو پانگه داشته است. خدا را شکر.

مریض از من می پرسد: آیا با ورزش رگ هایم باز می شود؟! بنده خدا نمی داند مسئله خون نیست، مسئله عضله است. یک بیمار کرونری، از مغز سر، تانوک یا مسئله دارد! فشار خون دارد، دیابت دارد، قند، چربی، سنگ صفرا، سنگ کلیه، روحیه خراب دارد و... معلوم است که رگهایش گرفتگی پیدا می کند، امثال این مریضها باید دعا کنند که چرا نمرند! ما می گوئیم: «توتال کار کشن»، یعنی باید کل بدن اصلاح و درمان شود. دکتر ملکی در ادامه صحبت هایش گفت: در این محفل قهرمانان و پیشکسوتان بزرگی همچون پهلوان عباس زندی و آقایان علی اکبر محب، اکبر قادری کاپیتان اسبق تیم ملی والیبال، پرویز ژافره از پیشکسوتان عرصه مدیریت ورزش، اکبر تنها، بازیکن اسبق تیم ملی والیبال و... حضور دارند. آنها برای رسیدن به قله قهرمانی خیلی زحمت کشیدند و می دانند با کار و تلاش مضاعف موفقیت در هر زمینه ای حاصل می شود. همه باید برای سلامتی شان کار و تلاش کنند. با سحر خیزی، ورزش، کم خوراکی و دوری از حاشیه ها، موفقیت حاصل می شود. تامی خواهید از کسی بد بگوئید، نگوئید. خود من خیلی سعی می کنم از کسی بدگویی نکنم. باید سختی هارا تحمل کرد، می نگوئیم این ترافیک چنین و چنان است، صبح زود پاشو، بنزین ماشینت را بزن، هیچ کس در صف نیست. بنابراین اصلاح بدن، زمان و ممارست در تمرینات می خواهد. در این مجلس دو بیمار داریم که یکی از آنها مرض قند داشت، می خواستند ۱۶ میلیون بابت معالجه مرض قند و ۸ میلیون بابت تزریق انسولین از وی بگیرند. در کلینیک ما با دهها برابر کمتر هزینه با «ورزش درمانی» خوب شد. این خانم مهربانی هشت سال دچار بیماری دیابت بود، عضله قلبش به شدت ضعیف شده بود، مدت هشت سالی به همراه شوهرش بین اهواز و تهران سرگردان بودند. به دکترهای متعددی مراجعه کردند به ایشان گفتند می توانی به قلبت باتری وصل کنی چون مرض قندش ۳۵۰ بود در این شرایط نه می توانست باتری بگذارد و نه پیوند قلب بکند. چون به دلیل مرض قند و عفونت «عضو» پس می زند و اصطلاحاً «ریجکت» می کند؛ در این شرایط به ما مراجعه نمود و درمان شد. آن قدر



دکتر جواد ملکی در کنار همسرش و دو نوه اش

پرسید: دکترها به شما چه گفتند؟ ایشان با ۳۴ سال سن گفت: اولین حرف آنها عدم حرکت بود! فعالیت کم خیلی کم شده بود، به خاطر ترسی که داشتم. دکتر ملکی پرسید: در این شرایط دو قلوهای نازنین را چکار کردی؟ ایشان گفت: دو تا پرستار صبح و شب برای آنها گرفته بودم، الان خوب شدم می توانم مثل همه کار و ورزش کنم. دکتر ملکی همچنین گفت: من خودم چون ورزشکار قدیمی بودم و مرتب در اردوهای ورزشی حضور داشتم، مردم شناس شدم، رفیق باز شدم، با مردم دوست شدم، همسر من وقتی با تیم تبریز به تهران می آمدم برای حدود چهار نفر جای خواب می انداخت. دکتر ملکی همچنین گفت: امسال «مایکل فلیس» و «یان تورپ» دو شناگر نابغه جهان هم یاد دادند که باید به زیردستان کمک کرد و آنها کمک کردند. آنهایی که می توانند بیایند به ما کمک کنند البته اول تحقیق کنید اگر یقین پیدا کردید، کمک کنید، علم ما باید جهانی شود، ما حدود ۶۰۰ سی-دی آموزشی زدیم. با ما تماس بگیرید تا در اختیارتان بگذاریم.

من ۴۸ سال در پزشکی درس خواندم و کار کردم تا این که این ۸ سال آخر به آن چیزی که می خواستم، رسیدم اما هنوز این اندیشه و علم به عموم مردم معرفی نشده است. ما سه ماه ۳۰۰ هزار تومان پول می گیریم. آقایان دکتر کردی و دکتر نقیبی دو تن از استادان و مدرسان تربیت بدنی تحقیقات ما را به دنیا گزارش کردند و نوشتند در ایران مرکزی است که بیماران قلبی را بدون عمل جراحی معالجه می کنند. چندی قبل روزنامه کیهان مقاله ای در خصوص هزینه های سنگین عمل باز قلب و عوارض بعد از عمل نوشت که خیلی جامع و هشدار دهنده بود. دکتر ملکی در پایان گفت: عزیزان اعضای خانواده خود را سخرخیز کنید، ورزش کنید، خیلی افراد بیمار هستند دهها ساعت، صدها ساعت وقت می گذارند، این مطب، اون مطب، این آزمایشگاه، اون بیمارستان می روند ولی حاضر نیستند حداقل هفته ای دو سه جلسه حدود یک ساعت دو ورزش کنند. تازه بعد از عمل جراحی دکتر نسخه دست مریض می دهد، باید بروی خیابان ناصر خسرو بالن ۳۰۰ هزار تومانی را ۳ میلیون خریداری کنی! تشکر می کنم که حوصله به خرج دادید.

گفت و گو با تعدادی از بیماران آقایان

* در بین مریض های در حال معالجه دو پزشک متخصص در کلینیک مشغول تمرینات نرمشی و حرکتی بودند که تعجب برانگیز بود. از جمله دکتر یونسی ۶۵ ساله متخصص بیماری های کودکان به دلیل عوارض ناشی از دیابت نیمی از بدنش از کار افتاده بود و خیلی قادر به تکلم نبود. دوست ایشان دکتر عبدی ۶۴ ساله متخصص اعصاب و رئیس بیمارستان ایرانیان که خود نیز سخته کرده و تحت درمان ورزشی بود گفت: آقای دکتر یونسی مدت نزدیک به ده ماه است که تحت درمان می باشد و کم کم رو به بهبودی است. وی در مورد خودش گفت: موقعی که در اثر سخته مغزی دو ماه قبل مرا به اینجا آوردند، مثل یک تکه گوشت بودم. قرار بود هر دو پایم را قطع کنند. الحمدلله بعد از تمرینات ورزشی همراه با مصرف دارو وزیر نظر آقای دکتر ملکی رو به بهبودی هستم و راه افتادم و در حال حاضر با عصاره می روم و به زودی عصاره کنار خواهم گذاشت.

فضل الله نیکانیان ۵۹ ساله یکی دیگر از

مریض های در حال بهبودی بود. ایشان گفت: دچار گرفتگی عروق قلب بودم. بعد از مراجعه به چند دکتر سرانجام قرار شد ۱۵ میلیون تومان به حساب بیمارستان آتیه بریزم تا عمل جراحی بشوم ولی منصرف شدم که پایم به کلینیک آقای دکتر ملکی باز شد. خدا را شکر با ورزش درمانی نجات پیدا کردم.

* مهندس سعید مجتهدی ۵۵ ساله گفت: دی ماه دو سال قبل دچار گرفتگی عروق قلب شدم باید جراحی می شدم که دکتر زادمهر یکی از پیشکسوتان تیم فوتبال پرسپولیس مرا به دکتر ملکی معرفی نمود. موقعی که به اینجا آمدم به دلیل تنگی نفس به سختی قادر به حرکت بودم ولی در حال حاضر ۶ کیلومتر روی تردمیل راه می روم که در حال افزایش است.

* آقای مهدی رسام ۷۴ ساله گفت ناراحتی قلبی داشتم، آنژیوگرافی کردم، جواب نداد. گفتند باید عمل بشوی، منصرف شدم. فقط در یک جمله بگویم خدا پدر آقای دکتر ملکی را بیاورد که نجاتم داد. ۹ ماه است که مرتب به اینجا می آیم و ورزش می کنم، کیفی می کنم خدا به آقای دکتر ملکی طول عمر بدهد.

* آقای رحیم شناقون ۸۰ ساله گفت: قبل از مراجعه به اینجا به دلیل گرفتگی رگ های قلبی اول آنژیوگرافی شدم که جواب نداد، قرار شد ۹ روز بعد جراحی شوم ولی منصرف شدم. الان ۱۱ ماه است که به اینجا می آیم نه تنها خوب شده ام بلکه می توانم مرتب ورزش کنم. ضمناً آرتروز و قندخون هم داشتم، و در پایان در حالی که اشک در چشمانش حلقه زده بود گفت: پسر جوانم که در اثر سخته قلبی در گذشت، اگر می آمد پیش آقای دکتر ملکی فوت نمی شد.

* آقای امیر سمیعی ۴۷ ساله گفت: پارسال بعد از آنژیوگرافی می خواستند عمل باز کنند.

* خانم فاطمه خدادوست، ۲۶ ساله، دانشجوی علوم اجتماعی، اهل فومن و ساکن تهران می گفت: دو ماه قبل احساس کردم صورتم سرد شده است، خیلی توجه نکردم، کم کم تمام



بدنم دچار ضعف و سستی شد. بعد از مراجعه به چند دکتر معلوم شد دچار بیماری ام-اس شده ام! معالجات بی نتیجه بود و روز به روز بدتر می شدم تا این که به آقای دکتر ملکی معرفی شدم. بعد از چند جلسه ورزش - درمانی کم کم راه افتادم. شوهر دلسوزش که در تمام لحظات می بایست در کنارش باشد تا از وی مراقبت کند که به زمین نخورد، می گفت: روزهای اول بیماری اصلاً قادر به راه رفتن نبود و با کمک دو نفر قادر به حرکت بود اما الان رو به بهبودی است.

* خانم اکرم میری ۷۵ ساله که در کنار دخترش تحت درمان بود می گفت: سال گذشته با شوهر ۸۲ ساله ام که دکترها عمل جراحی را برای ایشان تجویز کرده بودند به اینجا می آمدم. با توجه به آن که خیلی چاق شده بودم، کمر درد، پادرد، لرزش، سردرد دو... داشتم. با ورزش - درمانی خوب شدیم دیگه نیامدیم. سه ماه قبل مجدداً همان دردها همراه با افسردگی سراغم آمد، به دو سه دکتر مراجعه کردم، یکی از دکترها عمل جراحی را تجویز کرد که مجدداً به همراه دخترم دیبا به اینجا آمدم. الحمدلله رو به بهبودی هستم. خانم دیبا ۳۵ ساله، دختر خانم میری، مترجم و مدرس زبان انگلیسی و عضو اسبق تیم بسکتبال دانشگاه آزاد است. بیماری خاصی نداشتم اما کم کم داشتم مثل مادر م چاق می شدم و این فرصتی شد تا در اینجا هم ورزش کنم و هم در کنار مادرم باشم. ضمن آن که در حال حاضر تنیس هم بازی می کنم.

* خانم کبریا حاج سیدتیقا ۷۵ ساله می گفت: دو سال بعد از ناراحتی قلبی و گرفتگی دو تا از شریان های قلبی به بیمارستان دی مراجعه کردم. بعد از آنژیو می خواستند در قلبم بالن بگذارند. گفتند باید عمل جراحی بشوی که موافقت نکردم. به آقای دکتر ملکی معرفی شدم با ورزش درمانی در همان ماههای اول خوب شدم. بعد از بهبودی مرتب به اینجا می آیم و ورزش می کنم و داروهای تقویتی با نظر دکتر ملکی مصرف می کنم.

* خانم جمیله طالبی ۴۸ ساله می گفت: از دو سال قبل دچار درشدید سینه همراه با دیابت شدم. پنج روز در بیمارستان امام حسین (ع) بستری بودم و آنژیو شدم و در نهایت گفتند باید عمل بشوی. دو تا از برادر هایم که قبلاً مریض آقای دکتر ملکی بودند، مانع از عمل جراحی شدند، به اینجا مراجعه کردم، الحمدلله با ورزش - درمانی رو به بهبودی هستم. علاوه بر ناراحتی قلبی دیسک کمر هم داشتم که دکتر ملکی آن را خوب کرد. خلاصه جز دعا کاری از دستم بر نمی آید تا برای آقای دکتر ملکی بکنم.

گفت و گو با همسر دکتر ملکی

در پایان گزارش از همسر دکتر ملکی سؤال کردم چه تعداد فرزند و نوه دارید در چه موقعیت تحصیلی هستید، ایشان گفت: یک پسر، یک دختر، یک عروس خوب، یک داماد مهربان به نام آقای دکتر پرهام داودپور و دو نوه دو و یک ساله داریم. پسرمان محمد حسین ۳۶ سال سن دارد. ایشان پزشک متخصص و محقق کایروپراکتر (ویژه ستون فقرات) است که یک استثناء تلقی می شود. فرزند دو ساله آنها تیارا نام دارد و الحمدلله با همسرش زندگی خوبی دارد. پسر در تهران مطب دارد. دخترمان وکیل است و به همراه شوهرش تنها پسر یکساله شان آران در کانادا زندگی می کنند که آنها نیز زندگی آرامی دارند. میزان تحصیلات اینجانب فوق لیسانس زبان انگلیسی و زبان شناسی است.